

دو فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی زبان و ادبیات
فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا
س ۱۰، ش ۲ (پیاپی ۲۱)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

بررسی تطبیقی مضامین اخلاقی و تعلیمی گلستان سعدی و اندرزنامه‌های پهلوی آوا توکلی اوجانی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
دکتر مهین مسرت (نویسنده‌ی مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
دکتر حمیدرضا فرضی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

پیشینه‌ی بسیاری از آموزه‌های اخلاقی به‌ویژه پند و اندرز در ادبیات فارسی، به‌دوره‌ی قبل از اسلام برمی‌گردد و علاوه بر ذکر این مفاهیم در خلال آثار مختلف آن دوره، اندرزنامه‌های مستقلی نیز نوشته شده است؛ اندرزنامه‌ی آذربادمارسپندان و اندرزپورتویکیشان، جزو این آثار ادبی به شمار می‌روند. گلستان سعدی نیز یکی از آثار برجسته‌ی تعلیمی دوره‌ی بعد از اسلام است. در مقاله‌ی حاضر، سعی بر این است که از طریق مقایسه مندرجات گلستان سعدی با اندرزنامه‌های مذکور، برخی از مشابهت‌های موجود در محتوای آنها و همچنین نحوه‌ی بیان مفاهیم اخلاقی و تربیتی این متون نشان داده شود. بر پایه‌ی پژوهش، آموزه‌های اخلاقی در این متون، تنها از لحاظ محتوا و درون‌مایه همانند هستند، و لیکن شکل بیان آن مطالب، متفاوت است. در متون کهن، مسائل غالباً به‌صورت اشارات کوتاه است، ولی سخن سعدی، مشروح و مبسوط و غالباً در قالب داستان و با بهره‌گیری از انواع آرایه‌های ادبی بیان شده است.

واژگان کلیدی: گلستان، اندرزنامه‌ی آذربادمارسپندان، پورتویکیشان، مسائل اخلاقی و

تربیتی، ادبیات تطبیقی

۱- مقدمه

۱-۱- معرفی متون مورد بررسی:

ادبیات تعلیمی در معنای عام، بر آثاری اطلاق می‌شود که در مورد مسائل اخلاقی، عرفانی، اجتماعی، مذهبی، پند و اندرز و حکمت و نظایر آن نوشته شده‌اند. پند و اندرز، یکی از مباحث بسیار مهم و مورد توجه در ادبیات تعلیمی است. هدایت مردم به سوی ارزش‌های والای اخلاقی و کوشش برای بهبود بخشیدن به فرهنگ و روابط فردی و اجتماعی انسان‌ها، در زمره‌ی اولویت‌های اصلی گویندگان دانا و صاحبان بینش عمیق بوده است و شواهد بسیاری را در این مورد، می‌توانیم در خلال آثار نظم و نثر فارسی مشاهده کنیم. ریشه‌های بسیاری از مضامین اخلاقی و اندرزهای منقول در متون مختلف ادبی دوره‌ی پس از اسلام، غالباً در ادبیات پهلوی یافته می‌شود. کتب و اندرزنامه‌های پهلوی که در دوره‌ی ساسانی یا اوایل دوره‌ی اسلامی نگاشته شده‌اند، علاوه بر این که در بردارنده‌ی اصول و معتقدات دین زرتشتی هستند، از لحاظ اشتغال بر مفاهیم اندرزی، بسیار ممتازند.

مجموعه‌ی اندرزهای پهلوی، در ادبیات دوران اسلامی و کتاب‌های ادب و اخلاق عربی و فارسی، تأثیر به‌سزایی بر جای نهاده است. بیشتر اندرزهای یاد شده، به بزرگان و حکما نسبت داده شده است. مفصل‌ترین مجموعه‌ی اندرزها، در کتاب ششم دینکرد گرد آمده است و علاوه بر این کتاب، اندرزنامه‌های مستقلی نیز در ادبیات پهلوی موجود است. دو مورد از اندرزنامه‌های پهلوی، در این پژوهش انتخاب شده و از لحاظ نحوه‌ی بیان و محتوا با گلستان سعدی مقایسه شده است که معرفی مختصر اندرزنامه‌های مورد نظر بطور اجمال پرداخته می‌شود.

اندرز آذرباد مهرسپندان یا مارسپندان (منقول در کتاب "متون پهلوی"). اندرزهای این مجموعه، همه کوتاه و مربوط به مسائل عملی زندگی و اخلاق عمومی است و بعضی از آنها نیز به صورت مثل رایج در آمده است؛ مثلاً در بند ۱۰۹ می‌خوانیم: "هر که برای رقیبان چاه کند، خود در آن افتد." کاربرد تشبیه و تمثیل در این اندرزنامه بسیار است.

(تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۸۲-۱۸۱)

اندرز پوریوتکیشان

این اندرزنامه، در اصل از نوع اندرزنامه‌های دینی است و در آن، اصول عقایدی که دانستن آنها برای هر فرد زردشتی پانزده ساله واجب و لازم است و همچنین وظایف عملی مانند: هر روز به آتشکده رفتن (در سه نوبت)، بیان شده است. با وجود صبغه‌ی دینی، در این متن اندرزهای عمومی نیز دیده می‌شود، مانند: کوشا بودن در کسب فرهنگ (بندهای

۴۱ و ۴۲)، پرهیز از استهزاء (بند ۴۳) و نیاززدن پدر و مادر و سالار (بند ۴۶). این متن در مجموعه‌ی متون پهلوی چاپ گردیده و به فارسی ترجمه شده است. (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۸۸-۱۸۹)

ادامه‌ی مباحث اندرزی دوره‌ی قبل از اسلام، در متون ادبی دوره‌ی اسلامی، پی گرفته شده است که در میان این متون، گلستان سعدی جزو آثار برجسته و تأثیرگذار به شمار می‌رود. سعدی از محبوب‌ترین و معروف‌ترین شاعران و نویسندگان ایرانی، و خالق شاهکار گلستان و بوستان در اخلاق و حکمت است.

"گلستان معروف‌ترین اثر سعدی است و نه تنها در سرزمین فارسی زبان، بلکه در خارج از ایران نیز با استقبال روبرو شده است. در گلستان، حکایات و تمثیل‌های مختلف و مرتبط با عنوان‌های هر باب ذکر شده که حاوی پند و نصیحت می‌باشد." (نائومی: ۱۳۹۰، ۴۸)

"گلستان از حیث انشا به نثر مسجع است. بسیاری از محققان درباره‌ی این سبک نوشتاری سعدی معتقدند که او مناجات‌نامه‌ی خواجه عبدالله انصاری را سرمشق خود قرار داده است، اما گلستان سعدی از لحاظ مضمون و روانی عبارات برتر از مناجات‌نامه است." (فوشه کور: ۱۳۷۷، ۸۷)

۱-۲- روش تحقیق

شیوه‌ی تحقیق در این مقاله، توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است. چنان‌که می‌دانیم، ادبیات تطبیقی به شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های آثار ادبی می‌پردازد. اساس این پژوهش، یافتن برخی از همانندی‌های چشمگیر آثار ادبی مورد بحث است؛ اگر چه همانندی موضوعی و محتوایی، دلیل بر این نیست که شیوه‌ی بیان نیز در اندرزنامه‌های یاد شده و گلستان، یکسان باشد. بنابراین، ابتدا نکات مشترک موجود در این متون به عنوان موضوع اصلی، مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس تفاوت‌های لفظی و محتوایی بیان خواهد شد.

اندرزهای آذرمارسپندان و اندرز پوریوتکیشان در مجموعه‌ی متون پهلوی جاماسپ آسانا با گزارش سعید عریان، ترجمه و چاپ شده و علاوه بر آن، "گزیده‌ی اندرز پورتویکیشان" و "واژه‌ای چند از آذرباد مارسپندان" توسط استاد یحیی ماهیار نوابی در نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز ترجمه شده است. در این پژوهش، کتاب متون پهلوی اساس کار قرار گرفته است.

۱-۳- پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی مفاهیم اخلاقی و تربیتی در متون ادب فارسی، آثار و مقالاتی نوشته شده است ولی در مورد مقایسه‌ی جایگاه اخلاق در مخزن الاسرار با متون پهلوی پژوهشی مستقل انجام نگرفته است. از پژوهش‌های نزدیک به این موضوع عبارتند از: "جایگاه

قابوسنامه در ادبیات تعلیمی " از فاطمه الهامی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی (سال چهارم، زمستان ۱۳۹۱) نویسنده در این مقاله فقط به معرفی جایگاه ادبیات تعلیمی در قابوسنامه پرداخته و به متون پهلوی اشاره نشده است. "تأثیر پذیری گلستان سعدی از آموزه‌های تعلیمی قابوسنامه" احمد رضا یلمه‌ها و مسلم رجبی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی (شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۳) در این مقاله نویسنده جایگاه تعلیم را فقط در دو کتاب ذکر شده بررسی کرده است. "بررسی دیدگاه‌های تربیتی ایرانیان باستان در قابوسنامه" وحید سبزیان‌پور، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی (شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۲) این مقاله بیشتر به جنبه‌ی تربیتی ایرانیان باستان اشاره کرده و از اخلاق و تربیت متون پهلوی مطالبی بیان نشده است. اما در مورد مقایسه‌ی گلستان نظامی با اندرزنامه‌های آذرباد مارسپندان و پورتکیشان، تاکنون مقاله‌ای نوشته نشده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- عدل و انصاف

دادگری و انصاف، یکی از مفاهیم بنیادین در عرصه‌ی تعلیم و تربیت است و گذشته از فرمان خداوند به مردم در مورد رعایت عدالت، نویسندگان و شاعران نیز در دوره‌های مختلف، این ضرورت اخلاقی را با شیوه‌های مختلف به مردم یادآور شده‌اند. به خصوص این ویژگی در پادشاهان و داشتن حکومتی عادل بیان شده است و بی‌تردید، مهم‌ترین فرمان خداوند به پادشاهان اجرای عدل و انصاف و پرهیز از ظلم و ستم است.

۲-۱-۱- گلستان

نویسندگان و شاعران نیز بر اهمیت این موضوع بارها تاکید کرده‌اند که کار پادشاهان حکومت بر مردم است و مردم آئینه‌ی اخلاق پادشاهانند بنابراین بین صفات پادشاه و مردم رابطه تنگاتنگی وجود دارد که اگر پادشاه عادل باشد مردم زندگی سعادت‌مندی خواهند داشت و سعدی در گلستان با آوردن حکایتی این موضوع را بهتر آشکار می‌کند او در "حکایت ششم از باب اول گلستان" به این موضوع اشاره کرده است که اگر پادشاه بر مردم ظلم و ستم کند مردم به سبب بی‌عدالتی مملکت او را ترک خواهند گفت و در این صورت قدرتش از بین خواهد رفت و سرانجام در اثر هجوم دشمنان یا دلایل دیگر جان خود را از دست می‌دهد این حکایت دریاره پادشاه عجمی این موضوع را تایید می‌کند: "دست تناول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرد تا به جایی که خلق از مکاید ظلمش به جهان برفتند و به کربت جورش راه غربت گرفتند. چون رعیت کم شد ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت و خزینه تهی ماند و دشمنان زور آوردند."

(گلستان، ۱۳۸۰: ۲۵-۲۴)

۲-۱-۲- اندرز آذر بادمارسپندان

آذرباد در این اندرز نامه، نصایحی را خطاب به فرزندش ایراد می‌کند و بایست‌ها و نابایست‌های اخلاقی را در قالب توصیه‌های کوتاه بیان می‌دارد. پرهیز از ستم و تجاوز به مال مردم، خود داری از آمیختن مال خود با مالی که از راه تاراج به‌دست آمده و عواقب آن، در یکی از بندهای این اندرز نامه مورد تاکید قرار گرفته است:

"۱۱۶- خواسته‌ی کسان تاراج مکن و مدار و با آن خویش میامیز، چه آن خویش بیهوده و ناپیدا شود." (متن‌های پهلوی، ۱۳۸۲: ۸۲)

- دادخواهی و شکایت کردن از کسی که ستمی روا داشته، در روز مهر، توصیه شده است:

۱۳۴- مهر روز اگر تو را از کسی شکایتی برآمده باشد، پیش مهرایست، از مهر دادوری خواه و شکوه کن. (همان: ۸۳)

در موضوع ستم و بی عدالتی، غالباً از شاهان و حاکمان نام برده می‌شود؛ در اندرز نامه آذرباد مارسپندان مورد وجود دارد که در آن، فرزندش را از ستم و تعدی به پادشاهان و ایزدان بر حذر می‌دارد، به نظر می‌رسد که مقصود از آن پرهیز از ناسپاسی و نافرمانی است "۶۶- اندرز خدایان و پادشاهان، بی‌رحم نباش." (همان: ۸۰)

مفهوم اندرز مذکور، شاید این گونه نیز قابل تعبیر باشد که ظلم و بی رحمی از جانب افراد عادی در حق بزرگان، دور از انتظار نیست و گاهی ممکن است اتفاق بیفتد.

۲-۱-۳- اندرز پوریوتکیشان

جلوه‌های عدل و انصاف در این اندرز نامه، بیشتر به صورت توصیه به قانون مداری و گرایش به نیکی و راستی و آزادگی است:

"۱۷- و داد (= قانون) آزادگی و دین پوریوتکیشی و اندیشه به نیکی و زبان به راستی و دست به کار نیک داشتن .

۱۸- با همه بهان به داد و آزادگی ایستادن. ۲۰- با همه بهان به داد نیک دینی ایستادن." (همان: ۶۷)

پوریوتکی‌شان، مردم را به سازگاری و اتحاد و دوستی در تمام کارها سفارش می‌کنند: "آشتی و اتحاد در همه کار و کرفه داشتن." (همان: ۶۷)

۲۲- "کرفه‌ای که برای داد کنند، ارزشمندتر است تا آنکه برای خود ورزند، به آن اهلوتر باشند." (همان: ۶۸)

چنانکه معلوم می‌شود، ارزش کار نیکی که در راستای پایبندی به قانون انجام می‌گیرد، بسیار بیشتر است. پوریوتکیشان، مردم را از ستایش بدان و قدردمندان نهی می‌کند، چون

به واسطه این کار، آثار بدی در وجود انسان وارد می‌شود و نیکی را از بین می‌برد:
 ۴۰- بدتران را به توان و قدرت ستایش می‌کنید، چه، از ستایش بدی، بدتری به تن شود
 بهی بسپوزد. (متن‌های پهلوی، ۱۳۸۲: ۶۹)

آزار دادن پدر مادر و سرور، یکی از جلوه‌های ستم و بی‌انصافی است که مردم را از آن
 نهی می‌کرده‌اند:
 "۴۶- از آزار پدر و مادر و سالار سخت بیرهیزید تا شما را تن، بدنام و روان، دروند
 نشود." (همان: ۶۹)

*در این قسمت از سخن، پس از ذکر شواهد مربوط به موضوع عدل و انصاف از متون
 مورد مطالعه، به بیان همانندی‌ها و ناهمانندی‌های مندرجات متون مذکور می‌پردازیم:
 فضیلت عدل و انصاف و پرهیز از ستم، درون مایه‌ی تعلیمات اخلاقی گلستان سعدی
 و اندرزنامه‌های پهلوی است و آثار نیک و بد پایبندی یا عدم پایبندی به این توصیه‌ها، در
 متون مورد مطالعه، بیان شده است.

تفاوت و عبارت ناهمانندی‌های موجود در مندرجات منابع مذکور، بیشتر از جهت
 اختصار و تفصیل است و دیگر از جهت شکل بیان مطلب. در اندرزنامه‌های پهلوی، غالباً
 توصیه‌ها کوتاه و به صورت امر و نهی مستقیم است ولی در گلستان، بیان مطالب با بسط و
 گسترش و قالب داستان و حکایت همراه با شواهدی موثر و گیرا است. در هر حال، هدف
 اصلی مورد نظر گویندگان، به شیوه‌های مختلف تأمین شده است، و لیکن بیان مطالب
 اخلاقی در قالب داستان، جذاب تر و موثرتر می‌نماید.

۲-۲- خرد و دانش و فرهنگ

خرد و به عبارت دیگر، عقل جایگاه بسیار مهمی در زندگی انسان دارد و تجلی آن در
 رفتار و گفتار هر فرد، میزان و مقیاسی برای سنجش ارزش وجودی و فکری اوست. خرد در
 لغت، به معنای درک، دریافت، ادراک، تدبیر، فراست، هوش و دانش است.

(دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه خرد)

در عرفان اسلامی، عقل موهبت الهی شمرده شده است که خداوند آن را به عنوان
 معیار تشخیص حق از باطل و طاعت از گناه، در فطرت انسان‌ها نهاده است. مؤلف "مصباح
 الهدایه" در توصیف خرد نوشته شده است: "عقل نوری است فطری که بدان، صلاح از فساد
 و خیر از شر را متمایز گردد." (کاشانی، ۱۳۸۹: ۵۶)

خرد در باور در باورهای زرتشتی، جایگاه بنیادین دارد. بنابراین باورها، اهورا مزدا خدای
 بزرگ و یگانه آیین زرتشتی مظهر خرد است. این باور از آنجا نشأت گرفته است که اهورا

مзда خود را در هرمز دیشت چنین معرفی می‌نماید و خرد را منتسب به خود می‌داند: "منم سرچشمه دانش و آگاهی، منم خرد، منم خردمند، منم دانایی، منم دانا ... (دولتخواه، ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۷۲)

بر مبنای اساطیر ایرانی، خرد اهورا مزدا، در دسترس انسان‌ها قرار دارد و آنان به شرط برخورداری از صفت پارسایی و پیروی از مرد پارسا، به این موهبت می‌توانند دست یابند: "نماد زمینی اهورا مزدا، مرد پارسا است که انسان می‌تواند با پیروی از راه و اندیشه اهورا مزدا، شریک او باشد". (هینلز، ۱۳۷۱: ۸۱)

پس از ذکر این مقدمه مختصر، به بررسی کارکردهای خرد در گلستان سعدی و اندرزنامه‌های پهلوی می‌پردازیم.

۲-۲-۱- گلستان

سعدی نیز مانند نویسندگان پیش از خود، بر اهمیت خرد و کسب علم تاکید می‌کند از دیدگاه وی، خرد نعمتی است که خداوند رحمان به انسان‌ها ارزانی داشته است بنابراین با آوردن حکایات مختلفی در چند باب اهمیت این موضوع را بیان می‌کند:

در حکایت دوم از باب هفتم گلستان، حکیمی پسرانش را چنین نصیحت می‌کند: "هنر آموزید که ملک و دولت دنیا اعتماد نشاید و سیم و زر در سفر به محل خطر است، یا دزد به یک بار ببرد یا خواجه به تفاریق بخورد. اما هنر چشمه‌ی زاینده است و دولت پاینده و اگر هنرمند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است، هر جا که رود قدر بیند و بر صدر نشیند و بی‌هنر لقمه چینه و سختی بیند". (گلستان، ۱۳۸۰: ۱۱۴) و یا در باب هشتم در آداب صحبت چنین می‌گوید: دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده: یکی آنکه اندوخت و نخورد و دیگر آنکه آموخت و نکرد

علم چندانکه بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی
نه محقق بود نه داغ‌نشمند چارپایی بر او کتابی چند
آن تهی مغز را چه علم و خبر که بر او هیزم است یا دفتر (همان : ۱۳۰)

"یکی را گفتند: عالم بی‌عمل به چه ماند؟ گفت: به زنبور بی‌عسل"

زنبور درشت بی‌مروت را گو باری چو عسل نمی‌دهی نیش مز (همان : ۱۴۲)

۲-۲-۲- اندرز آذرباد مارسپندان

آذرباد مارسپندان هنگام بیان ارزش خرد برای فرزندش، خرد را بهترین موهبت و همچنین ثروت ماندگار می‌داند که حتی در صورت تباه شدن دارایی‌های مادی، خرد برای انسان باقی می‌ماند:

"و تو را گویم پسر من که (از) موهبت (ها در مورد) مردم، خرد بهتر، چه، اگر پر گست

(خدای نکرده) خواسته بشود یا چهار پای بمیرد، خرد بماند." (متن‌های پهلوی، ۱۳۸۲: ۸۱)

- خرد، همچنین عامل خوشبختی مردمان است: "و ترا گویم پسر من، که خرد، بهترین خوشبختی برای مردمان است."

- بسیاری از کارهای نیک، به یاری خرد امکان پذیر می‌شود. در بخشی دیگر از اندرز نامه فوق، آمده است: "خرد (مرد) بسیار دان چون با نیکی همراه نباشد، ویر و بی دینی و خرد، بیدادگری گردد." (ماهیار نوابی، ۱۳۴۰: ۲۹)

- بنابر مندرجات متون پهلوی، خرد با دانش و فرهنگ و هنر ارتباط متقابل دارد. در کتاب "مینوی خرد" آمده است: "دانش و کاردانی گیتی، فرهنگ و آموزش در هر پیشه و همه امور مردم روزگار به خرد باشد." (تفضلی، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۴)

- آذربادمارسپندان در قسمتی از اندرزهای خود، مردم را به طلب فرهنگ توصیه می‌کند و ارزش آن را بیان می‌دارد: "۶۶- به فرهنگ خواستاری کوشا باشید، چه، فرهنگ اندرز فراخی، پیرایه و اندر سختی، پناه و اندر پریشانی، دستگیر و اندر تنگی، پیشه است. ۶۷- و چون بدانستید، کار بندید، چه، بیش دانستن و کم به کار بستن، گناه بیشتری (دارد)." (ماهیار نوابی، ۱۳۴۰: ۲۹)

۲-۲-۳- اندرز پوریوتکیشان

- بند ۶۶ از اندرز نامه آذر باد مارسپندان که پیشتر ذکر شد، با اندک تفاوتی در اندرز پوریوتکیشان نیز آمده است: "۴۲- در باره آن گفته شده است که فرهنگ اندر فراخی، پیرایه و اندر سختی، پناه و اندر نیاز، دستگیر و اندر تنگی، پیشه است.

(متن‌های پهلوی، ۱۳۸۲: ۶۹)

- در این اندرزنامه، فرهنگ، سرچشمه خرد دانسته شده است: "۴۱- به فرهنگ خواستادری کوشا باشید، چه، فرهنگ تخم دانش است و میوه آن، خرد، و خرد را راهبری هر دو جهانی است." (همان: ۶۹)

چنانکه ملاحظه می‌شود، اشارات مربوط به خرد، در این اندرزنامه، مختصر و کوتاه و لیکن پر مغز و دارای محتوی غنی است. منابع متون دیگر پهلوی، مطالب مشروح راجع به خرد و ارزش آن، در بردارند که به اقتضای موضوع مقاله، از پرداختن به آنها صرف نظر شده است.

*مقایسه مندرجات متون مورد مطالعه، ما را بدین نتیجه می‌رساند که خرد یا عقل و در کنار آن، فرهنگ و دانش، جز برترین فضایل انسانی بر شمرده شده‌اند که بهره آنها در هر دو جهان نصیب انسان می‌شود. دامنه‌ی توجّه سعدی به این مفاهیم، گسترده تر بوده

است و بیان و مفاهیم فوق در خلال بحث‌های اصلی کتاب و همچنین حکایات متعدد، تأثیر بیشتری بر خوانندگان اثر او دارد. داستان پردازی و بسط کلام، زوایای مختلف مفهوم خرد یا عقل را به صورتی روشن عرضه می‌کند و لیکن، این روش، در اندرزنامه‌های کهن به چشم نمی‌خورد؛ اگر چه، بیان مفید و مختصر مطلب، پیام مورد نظر را به روشنی انتقال داده است.

۲-۳- دین و ایمان

ضرورت گرویدن به دین و داشتن ایمان به خداوند و سپاسگزاری از او، جزو آموزه‌های مهمی است که در اندرزنامه‌های پهلوی و همچنین ادبیات دوره اسلامی، توصیه و تاکید قرار گرفته است. دین و ایمان، سرآغاز تمام نیکی‌ها و عامل راستی و درستی به شمار می‌آید و در واقع، پایه و اساس نیک فرجامی هر انسانی است. ایمان کامل و اعتقاد قلبی و عملی به خداوند، انسان را از صفات ناشایست می‌پیراید و به مرتبه کمال می‌رساند. در این قسمت از سخن، به بررسی کیفیت انعکاس مفاهیم دینی و در متون مورد بحث می‌پردازیم.

۲-۳-۱- گلستان

سعدی معتقد است که زندگی دنیا زود سپری می‌شود، بنابراین، آدمی باید همیشه آخرت را در نظر داشته و مراقب اعمال خود باشد. به اعتقاد سعدی انسان باید ایمانی درست و قوی داشته باشد و در عین حال ایمان را، نوعی اعتقاد شخصی می‌داند و تعصب ورزی در آن را شایسته نمی‌داند بنابراین در این مورد در باب اول می‌گوید شخص باید همیشه خدا را در نظر داشته باشد و اعمال خود را اصلاح کند تا مورد عنایت خداوند قرار بگیرد و به سروری برسد.

مهتری در قبول فرمان است ترک فرمان دلیل حرمان است
هر که سیمای راستان دارد سر خدمت بر آستان دارد (گلستان، ۱۳۸۰: ۷۸)

اینک به مطالعه‌ی اجمالی بازتاب دین در اندرز نامه‌های کهن می‌پردازیم. قبل از ذکر شواهد مربوط به موضوع، توجه به نکاتی چند ضروری می‌نماید. به‌طور کلی می‌توان اصول عقاید دیانت زرتشتی را به صورت زیر خلاصه کرد:

در این دیانت، "اهورا مزدا" به عنوان خدای بزرگ پرستش می‌شود. علاوه بر اهورا مزدا، موجودات مقدس دیگری به نام‌های "امشاسپندان" و "ایزدان" مورد احترام و نیایش قرار می‌گیرد. بُن و مصدر امور کیهانی و خلقت جهانی دوگانه است. از این دو مصدر، یکی نیک است و دیگری بد. مصدر نیکی "اهورا مزدا" و مصدر بدی "اهریمن" نامیده می‌شود. وظیفه‌ی هر فرد مومن زرتشتی این است که همواره با قوای بد اهریمن آفریده مبارزه کند

و به تقویت نیروهای اهورا مزدایی پردازد، زیرا از طریق مبارزه با اهریمن، قوا و قدرت او کاسته می‌شود و برعکس، با افزودن به نیروهای اهورایی، قدرت و سلطه او زیاده گشته، در مبارزه نهایی که میان این دو بُن و مصدر آفرینشی صورت می‌گیرد، اهورا مزدا می‌تواند بر اهریمن چیره شده، دست او را برای همیشه از خلقت خویش کوتاه سازد.

مبارزه با اهریمن، از طریق رعایت اصول اخلاقی و پاکی و با اجرای مراسم و ترتیبات خاص دینی صورت می‌گیرد و تمامی زندگانی یک فرد مومن زرتشتی بر مبنای دستورالعمل کلی، پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار است، زیرا کژی‌های اندیشه نیز خود نشانه‌ای از نفوذ زاده‌های اهریمنی در نهاد و ذهن آدمی است. لذا پندار نیز همانند کردار و گفتار، باید از راستی و نیکی بهره بیابد.

مهم‌ترین عامل در تشریفات و مراسم دیانت زرتشتی آتش مقدس است. آتش، نشانه مادی از تصور الوهیت قابل رویت وجودی است که خودش منبع روشنایی و پاکی محض است و این، بازتاب همان اعتقادی است که بر مبنای آن، "خورشید تابنده و روشن" چشم مزدا تصور شده که از فراز آسمان‌ها به تمامی جهانیان می‌نگرد و همه چیز را می‌بیند و در میابد. هدف اصلی دیانت زرتشتی، فراهم آوردن تمهیدات جهت پیروزی نهایی خیر و خوبی است." (باقری، ۱۳۷۶: ۳۸-۳۶)

مطالب منقول در اندرزنامه‌های پهلوی راجع به دین چنین است:

۲-۳-۳- اندرز آذرباد مارسپندان

در بند اول از این اندرزنامه آمده است که آذر آباد، فرزندی نداشت. بعد از آن که به یزدان توکل کرد، صاحب فرزندی شد و او را بنابر ارادت به پیامبر دین خود، نام زرتشت نهاد و نصایحی را خطاب به او ایراد کرد: "و گفت که (بر) خیز پسر من تا (ترا) فرهنگ برآموزم." (متن‌های پهلوی، ۱۳۸۲: ۷۷)

آذر باد به فرزندش سفارش کرده که همیشه به یزدان امیدوار باشد و در امور مربوط به او همیشه بکوشد:

"۹- همیشه و هر گاه امید به یزدان دار و دوست آن گیر که برای تو سودمند تر باشد" ۱۰- در امر یزدان و امشاسپندان، کوشا و جان سپار باش. (متن‌های پهلوی، ۱۳۸۲: ۷۷)

در قسمتی دیگر از این اندرزنامه آمده است که در ستایش یزدان که باعث آرامش دل و افسونی نیکی می‌شود:

"۱۰۲- یزدان آفرین کن و دل به رامش دار که تو از یزدان افزایش به نیکی یابی." (همان: ۸۱)

توصیه به دین داری و دین دوستی، در این متن با صراحت بیان شده است:
 ۷۹- نیک بهر و دین دوست باش تا اهلو باشی. ۱۰۵- در ایمان به دین بسیار کوش، چه،
 بزرگترین خرسندی، دانایی و بزرگترین (از آن) امید مینو است. (همان: ۸۱-۸۰)

۲-۳-۳- اندرز پوریوتکیشان

توصیه به یاری خواستن از یزدان و کوشش برای آموزش دین و فواید آگاهی از دین، در این اندرزنامه آشکار است، گرویدن به دین، اهریمن را از انسان دور می‌کند و به او قدرت تشخیص سود از زیان، گناه از کار نیک و ... ارزانی می‌دارد:

۴- به گیتی، نخست به دین خستو (=معترف) بودن، بدان ورزیدار و نیایش کننده و از آن ناگردنده بودن، گروش اندیشمندانه به بهدین مزدنسان داشتن، سود از زیان و گناه از کرفه، بهی از بدتری و روشنی از تاریکی و مزدیسنايي را از دیویسنایی تشخیص دادن.
 ۹- و (نسبت) به این (امر) بی‌گمان بودن که از کرفه، سود از گناه، زیان؛ مرا دوست، هرمزد و دشمن، اهریمن و راه دین یکی (است). ۲۰- با همه بهان به داد نیک دینی ایستادن.
 ۲۳- و گفت به دین مزدیسنان را پذیرفتم، بدان بی‌گمانم، نه تن و نه عشق به جان را و نه بهزیستی و نه بیش زیستی و نه از تن، بند بگرداندن را، از بهدین مزدیسنان باز نایستم (و) به آن بی‌گمانم. (متن‌های پهلوی، ۱۳۸۲: ۶۸-۶۷)

وظیفه یک زرتشتی مومن، چنین بیان شده است:
 ۳- مرا ورزش (=عمل) خویشکاری و وظیفه داری این که هرمز را به هستی، ازلیت، ابدیت و انوشه خدایی و بی‌کنارگی و پاکی (و) اهریمن را به نیستی و نابودی اندیشیدن و خویشان را به خویشی هرمزد و امشاسپندان داشتن و از اهریمن و دیوان و دیو یادی جدا بودن. (همان: ۶۶)

ستایش آتش به عنوان جلوه‌ای از اهورا مزدا، به زندگی برکت می‌بخشد:
 ۴۵- و هر روز سه بار در خانه آتشان شوید و آتش نیایش کنید، چه کسی که در خانه آتشان بیش شود و آتش نیایش بیش کند، او را خواسته و اهلائی بیش بخشد. (همان: ۶۹)
 مندرجات دو اندرزنامه مورد بحث، همسانی‌های قابل توجهی با هم دارد: امیدواری به یزدان، ستایش او و یاری خواستن، معترف بودن به دین و کوشش راه آن و دین دوست بودن و یقین داشتن به آن و ستایش اهورا مزدا و جلوه او یعنی آتش، تضمین کننده زندگی سراسر آرامش و بهره‌مند از برکت الهی است.

با مقایسه مطالب مذکور در گلستان و دو اندرزنامه پهلوی بدین نتیجه می‌رسیم که اعتقاد به وجود خالق یگانه و قدرتمند در فطرت هر انسانی وجود دارد و لیکن بنابر قول شاعر که: هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید...

شیوه‌ی بیان ایمان و اعتقاد قلبی و تشریح توضیح اصول و بنیان‌های آن، در هر زمانی و نزد هر گروه‌ای متفاوت بوده است؛ توحید عملی در سراسر گلستان مشهود است ولی نحوه‌ی توصیف دین و آفریننده جهان و موجودات آن در متون دینی و غیر دینی زرتشتی، با توجه به ذکر و توصیف نمادهای خیر و شر، اندیشه‌ی ثنویت را به ذهن متبادر می‌سازد، چیزی که در متون دوره‌ی اسلامی بکلی منتفی است. "برخی از محققان با استناد به این نکته که مطالب باورهای دیانت زرتشتی، در نهایت اهریمن شکست می‌خورد و نابود می‌شود و با از بین رفتن بدی، آنکه در پهنه فرمانروایی ملکوت برجای می‌ماند، اهورا مزدا است، دیانت زرتشتی را یک نوع یکتا پرستی ابتدائی به شمار آورده‌اند." (باقری، ۱۳۷۶: ۴۰)

۲-۴- نیک و بد (نیکی و بدی کردن)

ارزش انسان، در نیکی کردن و دوری از بدی است. حاصل نیکوکاری و نیک اندیشی و اقدام کردن به کار نیک، هر چند اندک باشد، به صاحب آن عمل در همین دنیا و نه همین اندازه، بلکه چندین برابر آن باز خواهد گشت این موضوع در غالب متون اندرزی و تعلیمی دوران قبل و بعد از اسلام مورد بحث قرار گرفته، به شیوه‌های گوناگون بیان شده است. در این جهان گذران، از انسان چیزی جز نیکی به یادگار نخواهد ماند؛ دولت، ثروت، گنج و جاه، از بین رفتنی است و تنها نام نیک انسان، او را در یادها جاوید نگه خواهد داشت. پس از ذکر این مقدمه، ابتدا، نحوه پرداختن به این موضوع را در گلستان سعدی بررسی می‌کنیم.

۲-۴-۱- گلستان

سعدی در دیباجه‌ی گلستان با یادآوری روزهای گذشته و عمر سپری شده، می‌گوید که زندگی روزی به پایان خواهد رسید و خوشا به حال کسی که گوی نیکی را ببرد و از او به نیک نامی یاد کنند

"یک شب تامل ایام گذشته می‌کردم و بر عمر تلف کرده تاسف می‌خوردم و سنگ سراچه‌ی دل به الماس آب دیده می‌سافتم و این بیت‌ها مناسب حال خود می‌گفتم:"

هر دم از عمر می رود نفسی	چون نگه می کنم نماند بسی
ای که پنجاه رفت و در خوابی	مگر این پنج روز دریابی
... یار ناپایدار دوست مدار	دوستی را نشاید این غدار
نیک و بد چون همی ببايد مرد	خنک آنکس که گوی نیکی برد

(گلستان، ۱۳۸۰: ۱۴)

همچنین در حکایت اول از باب چهارم در فواید خاموشی در مورد پیش آمدن نیک و بد در سخن و عکس العمل مردم می‌گوید:

یکی از دوستان را گفتم: امتناع سخن گفتم به علت آن اختیار آمده است در غالب

اوقات، که در سخن نیک و بد اتفاق افتد و دیده‌ی دشمنان جز بر بدی نمی‌آید. گفت: دشمن آن به که نیکی نبیند.

هنر به چشم عداوت بزرگتر عیب است گل است سعدی و در چشم دشمنان خارا است
نور گیتی فروز چشمه‌ی هور زشت باشد به چشمِ موشک کور
(همان: ۸۷)

در این قسمت، محتوی متون اندرزی کهن را نیز از دیدگاه نیکی و بدی، از نظر می‌گذرانیم.

۲-۴-۲- اندرز آذر بادمار سپندان

سفارش به نیکی و پرهیز از بدی، در اندرزنامه مذکور چنین است:
"۵- هر چه برای تو، نیک نیست، تو نیز برای دیگر کس مکن. ۶۷- از دادمه (=بزرگسال) و به (=نیک) مرد سخن پرس.

۷۱- نیک فرمان باش، تا نیک بهر باشی. ۷۳- سپاسدار باش تا به نیکی ارزنده باشی. ۱۱۰- نیک مرد آساید و مرد بد، رنج و اندوه گران برد. ۱۴۹- چون (به تو) نیکی رسد، بسیار شاد مباش (و) زمانی که سختی رسد، بسیار به رنج مباش: زیرا که نیکی زمانه، سختی و سختی زمانه، نیکی است و هیچ فراز نیست که شیب از پیش و هیچ شیب نیست که فراز از پس نه (داشته باشد). ۴۶- نسبت به خواسته، چندان (که ترا) توان باشد، رادی کن."
(متن‌های پهلوی، ۱۳۸۲: ۸۳-۷۷)

خلاصه‌ی مندرجات فوق، این است که انسان نیک اندیش و با تدبیر، با آگاهی از مزایای نیکی، همواره در جستجوی آسایش و بهره‌مندی دیگران است و در مقابل، مشمول لطف مردم واقع می‌شود؛ بدی کردن، رنج و بدی به دنبال دارد و البته چون نیکی و بدی در جهان، پایدار نیست، شادی و غم بسیار در مقابل شرایط مثبت و منفی، صورت عقلانی و منطقی ندارد.

۲-۴-۳- اندرز پوریو تکیشان

در قسمت‌هایی از این اندرزنامه، سپاسگزار بودن در مقابل نیکی و نیکی کردن در مقابل رشک دیگران، سفارش شده است:

"۳۵- به کرفه، همداستان و به گناه، ناهمداستان و به نیکی، سپاسدار و در برابر پتیاره خرسند و به بدبختی، شکیب (و) به کارهای فریض‌های کوشا باشد.

۳۸- آزا با خرسندی و خشم را با سروش و رشک را با نیک چشمی و نیاز را با قناعت و دشمنی را با آشتی و دروغ را با راستی بزنید." (همان: ۶۹)

- در بخشی دیگر آمده است که اقدام به کار نیک، وابسته به ارداه و کوشش است: "۵۸- اقدام به کار خوب (و) کار نیک از کوشش زاید، از دهش نیز دهش... (همان: ۷۰) خلاصه و حاصل مندرجات متون مورد مطالعه، ما را بدین می‌رساند که: در حالت کلی، نیکی، جذب کننده نیکی است و بر نحوه‌ی رفتار مردم با هر کس، تأثیر می‌گذارد. حتی در اوج نابسامانی‌های زندگی نیز، می‌توان نیک بود و خوبی کرد و در مقابل، بهره آن را بدست آورد. سعدی این موضوع را در قالب حکایت بیان کرده است و دانایان نیز در دوره‌ی قبل از اسلام، این فضیلت اخلاقی را در قالب اندرز به مردم منتقل کرده‌اند. درون مایه و اساس مطلب، در تمام متون، مشابه است و تفاوت در شیوه‌ی بیان و تفصیل یا اختصار آن است.

۳- نتیجه‌گیری

مفاهیم اخلاقی و تربیتی در قالب پند و اندرز و حکایت، در ادبیات و فرهنگ ایران، پیشینه‌ای دیرین دارد. افراد آگاه و صاحب بینش اجتماعی، در هر دوره‌ای کوشیده‌اند با شیوه‌های مختلف و به گونه‌ای موثر، بایدها و نبایدهای رفتارهای فردی و اجتماعی را به انسان‌ها یادآور شوند. از مقایسه‌ی مندرجات دو مورد از اندرزنامه‌های کهن با گلستان سعدی، به عنوان نمونه‌ای از متون تعلیمی و اخلاقی دوره‌ی اسلامی، بر می‌آید که طرز بیان این آموزه‌ها در متون تعلیمی کهن، غالباً به صورت اشارات کوتاه و در حد انتقال مفهوم پند و اندرز است، ولی در دوره‌های بعدی، به صورت مشروح و در موارد زیادی، در قالب داستان و حکایت مطرح شده، که گلستان سعدی نمونه‌ای از این متون است. پیام‌های اخلاقی و پند گرایانه سعدی، حکیمانه و با شیوه‌ای هنرمندانه و با استفاده از آرایه‌های ادبی، لطیف‌تر و دلنشین‌تر از اندرزنامه‌های ساده و کوتاه پهلوی است. تفاوت دیگری که در این مقایسه، رخ می‌نماید، این است که در اندرزنامه‌های پهلوی، صبغه دینی به وضوح مشاهده می‌شود و اصطلاحات تخصصی دین زرتشتی در آنها به وفور وجود دارد، ولی در گلستان، چنین تعبیری را مشاهده نمی‌کنیم و این مسأله به اقتضای زمان و همچنین اعتقادات دینی شاعر، کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. در هر حال آنچه برای خواننده اهمیت دارد، این است که فضایل اخلاقی در هر دین و آیینی ستوده است و در مقابل، هیچ دینی درصدد توجیه و مثبت نشان دادن بدی‌ها و پلیدی‌ها نیست.

منابع

۱- الهامی، فاطمه. (۱۳۹۱). "جایگاه قابوس‌نامه در ادبیات تعلیمی"، فصلنامه ادبیات

- تعلیمی، سال چهارم، صص ۱۵۸-۱۳۱.
- ۲- باقری، مهری. (۱۳۷۶). دین‌های ایرانی پیش از اسلام، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- ۳- تفضلی، احمد. (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- ۴- ----- (۱۳۹۱). مینوی خرد، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ پنجم، تهران: توس.
- ۵- جاماسب آسانا. (۱۳۸۲). دستور جی منوچهر، متن‌های پهلوی، به کوشش سعید عریان، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- ۶- دوفوشه کور، شارل هانری. (۱۳۷۷). اخلاقیات، ترجمه‌ی محمدعلی معزی و عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۷- دوستخواه، جلیل. (۱۳۷۰). اوستا، ج ۱، تهران: مروارید.
- ۸- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه، چاپ دوم، تهران: موسسه لغت نامه دهخدا.
- ۹- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). انواع شعر، شیراز: نوید.
- ۱۰- سبزیان‌پور، وحید. (۱۳۹۲). بررسی دیدگاه‌های تربیتی ایرانیان باستان در قابوسنامه، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۱۷، صص ۸۶-۵۱.
- ۱۱- شیمیزو، ناومی. (۱۳۹۰). معیارهای اخلاقی در دیدگاه سعدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۲- فروغی، محمدعلی. (۱۳۸۰). کلیات سعدی، به کوشش محمد صدری، تهران: نشر نارمک.
- ۱۳- ماهیار نوابی، یحیی. (۱۳۳۹). اندرز پوریوتکیشان، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، سال دوازدهم، شماره ۵۶، صص ۵۳۵-۵۱۳.
- ۱۴- ----- (۱۳۴۰). واژه‌ای چند از آذربادمار سپندان، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، سال سیزدهم، شماره ۵۷، صص ۳۰-۱۱.
- ۱۵- هنیلز، جان. (۱۳۷۱). شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ دوم، تهران: چشمه.
- ۱۶- یلمه‌ها، رضا و رجبی، احمدرضا. (۱۳۹۳). "تأثیر پذیری گلستان سعدی از آموزه‌های تعلیمی قابوسنامه" فصلنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۲۱، صص ۲۸-۱.